

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۹ اپریل ۲۰۱۷

چرا مقامات و رسانه‌های حکومت اسلامی درباره انفجار مهیب همزمان با زلزله، سکوت کرده‌اند!

گفته می‌شود همزمان با وقوع این زلزله، برخی از اهالی مشهد صدای مهیبی شنیده‌اند. این خبر را یکی از رسانه‌های نزدیک به جناح‌های حکومت اسلامی ایران به نام «تابناک» در لابلای اخبار زلزله انعکاس داده است. به علاوه زلزله‌ای با قدرت ۶/۱ ریشتر که به گفته مسئولین حکومت اسلامی در مرکز زلزله برخی روستاها ۶۰ تا ۱۰۰ درصد تخریب شده‌اند اما بر اثر این زلزله ویرانگر، فقط یک یا دو نفر جان خود را از دست داده و حدود ۱۷ نفر نیز مصدوم شده‌اند. در حالی که در با همین قدرت ریشتر زلزله در گذشته آذربایجان شرقی و...، صدها کشته و هزاران مصدوم برجای گذاشته‌اند. یعنی زلزله‌ای به بزرگی ۶ ریشتر می‌تواند خرابی‌های زیادی را به بار بیاورد. حال در مشهد «مقدس!؟» آیت‌الله احمد علم‌الهدی حکمرانی می‌کند و هر اتفاقی را به «زنان بی‌حجاب و بدحجاب» و خشم خدایشان حواله می‌دهد اکنون ببینیم در رابطه با این زلزله، چه کسی را مسئول معرفی خواهد کرد!

به‌علاوه این نوع خبررسانی، این شک و تردید را در نزد افکار عمومی جامعه ایران، به‌ویژه شهروندان مشهدی دامن زده است که آیا عامل این زلزله، یک واقعه طبیعی بوده و یا عوامل دیگری همچون انفجار انبار اتمی و آزمایشات هسته‌ای عامل آن است.





زلزله مشهد

زلزله ۶/۱ ریشتری در ساعت ۱۰:۳۰: ۱۰ دقیقه روز ۱۶ فروردین ۱۳۸۶ در عمق ۱۰ کیلومتری زمین، حوالی سفید سنگ در استان خراسان رضوی، در خبرگزاری‌های مختلف خارجی واکنش‌های متعددی داشته است. در پی وقوع این زلزله در مشهد، تلفن‌های ثابت و همراه مشهد دچار اختلال شد. به گزارش تابناک، «لرزش در شهر مشهد و خصوصا ساختمان‌های بلند به شدت احساس شده و وقوع پس لرزه‌های پیاپی موجب شده برخی از مردم احساس نگرانی کرده و به خیابان‌ها بروند؛ جمعیتی که در بسیاری از نقاط شهر مقدس مشهد، حتی پیرامون حرم رضوی دیده می‌شود.

گفته می‌شود همزمان با وقوع این زلزله، برخی از اهالی مشهد صدای مهیبی شنیده‌اند.»

نماینده فریمان در مجلس شورای اسلامی گفت: طبق اطلاعاتی که تاکنون از هلال احمر دریافت کرده‌ام خسارت جدی ای در شهر «فریمان» و «سفید سنگ» نداشته‌ایم و متأسفانه در یکی از روستاها فریمان یک نفر کشته شده و همچنین یک نفر کشته در روستای بخش رضویه از شهرستان مشهد داشته‌ایم. او ادامه داد: تخریب در روستاهای کلات منار که جزو توابع بخش رضویه شهر مشهد است و منطقه پائین ولایت نام دارند، زیاد بوده و چیزی در حدود ۴۰ تا ۱۰۰ درصد منازل و بناها را در روستاهای این منطقه تخریب شده‌اند. آوسیت‌دپرس در گزارشی به نقل از سازمان زمین‌شناسی آمریکا اعلام کرد که زلزله مشهد ۶/۱ ریشتر بوده و عمق آن ۱۳ کیلومتری زمین بوده است.

زلزله‌ای به بزرگی ۶ ریشتر می‌تواند خرابی‌های زیادی را به بار بیاورد. در سال ۲۰۰۳ زلزله ۶/۶ ریشتری در شهر تاریخی بم منجر به کشته شدن ۲۶ هزار نفر شد.

رویترز نیز در گزارشی از قول سازمان زمین‌شناسی آمریکا از زلزله‌ای در ۷۶ کیلومتری جنوب شرق مشهد در عمق ۱۳ کیلومتری خبر داد و نوشت: عکس‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نشان‌دهنده عمق خرابی‌ها در خیابان‌ها و ساختمان‌هاست. خبرگزاری‌ها در ایران از قطع خطوط تلفن در محل حادثه خبر داده‌اند.

خبرگزاری فرانسه نیز در مصاحبه با یکی از ساکنان مشهد از قول این فرد نوشت: زلزله وحشتناک بود. صدای مهیبی به گوش رسید و همه چیز لرزید.

این خبرگزاری همچنین با اشاره به زلزله سال ۲۰۰۳ در شهر تاریخی بم نوشت این زلزله به گشته شدن دست کم ۳۱ هزار نفر و خرابی کامل اماکن تاریخی بم در جنوب شرقی کشور انجامید.

دوچه وله نیز به گزارش مؤسسه ژئوفیزیک اشاره کرد و نوشت: کانون زمین‌لرزه در استان خراسان رضوی عمق ۱۰ کیلومتری زمین در شهر سفیدسنگ از توابع بخش قلندرآباد شهرستان فریمان واقع در ۱۰۰ کیلومتری جنوب مشهد بوده است.

این خبرگزاری ادامه داد: زلزله ۶ ریشتری در شهر مشهد نیز کاملا محسوس بوده است. منابع داخلی ایران از اختلال در شبکه تلفن برخی مناطق خبر داده‌اند. برخی خبرگزاری‌ها از مشاهده تخریب برخی مناطق مسکونی در مشهد هم خبر داده‌اند. تیم‌های امدادی به حالت آماده‌باش درآمده‌اند.

«زمین لرزه یا آزمایش اتمی»!، عنوان مطلبی است که جام جم آنلاین جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۸۳، پس از زلزله افغانستان نوشته بود.

جام جم آنلاین، می‌نویسد: تلاش برای استفاده از انرژی‌های هسته‌ای گاه این شائبه را در اذهان پدید می‌آورد، که شاید یکی از دلایل وقوع زلزله‌های اخیر در کشور انجام آزمایش‌های اتمی مختلف باشد. آیا واقعا چنین چیزی امکان‌پذیر است.

پس از وقوع زلزله ای به شدت ۶/۵ ریشتر در ۳۰ می ۱۹۹۸ در افغانستان گروهی عقیده داشتند آزمایش‌های هسته‌ای هند و پاکستان عامل این زلزله بوده است. برای بررسی اثر آزمایش‌های اتمی در ایجاد زلزله تحقیقات زیادی صورت گرفته است. در این گزارش به تفاوت‌های لرزش‌های ایجاد شده بر اثر این دو پدیده اشاره شده است.

منبع تولید انرژی در انفجارهای اتمی، تجزیه ایزوتوپ‌های سنگین رادیواکتیو و منبع انرژی زمین لرزه، فشار و حرارت طبقات درونی زمین است.

در یک آزمایش اتمی تمام انرژی، ناگهان (در مدت یک میلیونیم ثانیه) به شکل گرما آزاد شده و یک گودال کروی شکل ایجاد می‌کند. این فعالیت‌ها امواجی شبیه به امواج زمین لرزه ایجاد می‌کند، که به تدریج از گودال به سمت سنگ‌ها و صخره‌های سطحی منتقل می‌شود و چون سنگ‌ها رسانای ضعیفی هستند، ممکن است مدت‌ها طول بکشد تا علایم حرارتی انفجار اتمی کاهش یابد.

عمق آزمایش‌های هسته‌ای بسیار کم است و بستگی به ژرفائی دارد که مواد منفجره در آن دفن می‌شوند. این عمق متناسب با مقدار مواد و شدت مورد انتظار انفجار متغیر است و از چند صد متر تجاوز نمی‌کند.

در یک زمین لرزه بزرگ انرژی تغییر شکل الاستیکی زمین که در پوسته ذخیره شده است، در مدت بین چند ثانیه تا چند ده ثانیه آزاد می‌شود.

برای مثال زلزله افغانستان ۵ ثانیه طول کشید. حجم تخمینی کانون زمین لرزه افغانستان ۴۰۰۰ کیلومتر مربع و عمق آن ۱۸ کیلومتر بود.

هم زمین لرزه و هم انفجارهای اتمی می‌توانند بسرعت مقادیر زیادی انرژی آزاد کنند. عامل انفجار معمولا یک منبع فشرده و کروی است که امواج مترامکی از نوع امواج P در تمام جهات به‌صورت یکسان و مساوی منتشر می‌کند.

زمین لرزه رودبار و منجیل و زمین لرزه بم و آذربایجان شرقی از بزرگترین و مخربترین زمین لرزه‌های ایران در چند دهه اخیر است. برابر ارقام اعلام شده اولیه، بزرگی آن بین ۷/۳ تا ۷/۷ در مقیاس ریشتر بود. این رویداد در ۳۱ خردادماه سال ۱۳۶۹، برابر با بیستم ژوئن سال ۱۹۹۰ در ناحیه رودبار، منجیل و لوشان دربخش باختری البرز سبب کشتار نزدیک به ۳۵۰۰۰ نفر، مجروح شدن ۶۰۰۰۰ نفر و بی‌خانمانی بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر شد. در این واقعه حدود ۲۰۰ هزار واحد مسکونی تخریب شد که تعداد ۶۰ هزار واحد از آن به کلی ویران شده بودند و خسارات اولیه ناشی از زلزله بیش از ۸۰۰ میلیارد ریال تخمین زده شد. در این حادثه ۴ روستا در منطقه «اشکور» رودسر بر اثر ریزش کوه ارتفاعات کلیشم عمارلو و شکاف عمیق در دل خاک دفن شدند.



زلزله رودبار

همچنین در قسمت میانی شهر رودبار، مشرق رودخانه سفیدرود دره‌ای عمیق وجود داشت که آب کوه‌های «کولون» و «لازباد» و چشمه‌ای مرتفع در آن جاری بود. در اثر وقوع زلزله کوه‌های اطراف منتهی به این دره که پوشیده از درختان زیتون به بار نشسته بود به طول یک کیلومتر بر اثر رانش به سوی جاده و رودخانه سپیدرود پیشروی کرد. همراه این جابه‌جائی تقریباً تعداد ۲۵ هزار اصله درخت جابه‌جا و به کوهی از خاک و درخت تبدیل شد. این زلزله خسارات اقتصادی معادل ۵/۲ در صد تولید ناخالص ملی وارد نمود. مطالعه و واریسی عوارض برجای مانده از این زلزله نشان داده است که عمق کانونی این زمین لرزه در ژرفای ۱۹ کیلومتری سطح زمین واقع شده است. گسل آن در روی سطح زمین نیز به گونه سه تکه ناپیوسته با سیمای نردبانی در طولی نزدیک به ۸۰ کیلومتر با فاصله آشکار شده بود.

زمین لرزه ۵ دی ماه [جدی] ۱۳۸۲ بم - روز ۲۶ دسمبر ۲۰۰۳ در شهر تاریخی بم در جنوب شرقی کشور و در جنوب شرقی کرمان رخ داد. این زلزله در ساعات آغازین بامداد که اکثر ساکنان بم خواب بودند اتفاق افتاد، که این مسأله را می توان به عنوان یکی از عوامل تشدید تلفات جانی در نظر گرفت. آمار تلفات رسمی بیش از ۲۵۰۰۰ نفر و مجروحان حدود ۵۰۰۰۰ نفر اعلام گردید. بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر نیز بی‌خانمان شدند. کانون زمین لرزه - بر اساس اطلاعات کسب شده از لرزه اصلی و پس لرزه ها توسط لرزه نگارها و شتاب نگارهای مستقر در بم - در محدوده شهر بم واقع بوده است. بر اساس بررسی‌های انجام شده بخشی از گسل بم که از کنار شهر بم عبور می‌کند در این زلزله فعال شده است.

دو مین لرزه کمابیش شدید با ریشتر ۶/۲، روز شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۱ مناطقی از استان آذربایجان شرقی را لرزاندند بود که بر اثر این زمین‌لرزه در شهرستان‌های اهر، ورزقان و هریس، ۳۰۶ نفر کشته و بیش از ۵۰۰۰ نفر مجروح شده

بودند. در مجموع ۱۵۵ هزار نفر دچار حادثه شدند که در اهر ۶۷ هزار نفر، ورزقان ۴۲ هزار نفر، هریس ۴۰ هزار نفر و تبریز شش هزار نفر را در بر می‌گرفت.

در محدوده این زمین‌لرزه‌ها ۱۸ هزار و ۶۱۸ واحد مسکونی دچار آسیب شده که از این تعداد ۵ هزار و ۳۲۹ واحد به‌طور کامل تخریب شدند. در مجموع ۴۱۰ روستا دچار تخریب شده و ۶۵ روستا به‌طور کامل از بین رفتند.

رضا بیگی، استاندار آذربایجان شرقی، سه روز پس از حادثه در جلسه کارگروه مربوط به مناطق زلزله‌زده که در استانداری آذربایجان شرقی تشکیل شده بود گفت: از ۵۸۰ روستای واقع در سه شهرستان زلزله‌زده واحدهای مسکونی ۳۰۰ روستا بین ۶۰ تا خسارت دیده‌اند. درست است که زلزله آذربایجان از لحاظ شدت با بم برابری می‌کند ولی به دلیل شرایط منطقه‌ای و فصل کاری روستائیان تلفات جانی کمتری داشت ولی شدت تخریب و آسیب‌های وارده به تأسیسات فراتر از زمین لرزه بم است.

تاکنون هر اتفاقی در ایران روی داده است امام جمعه‌ها به ویژه حجت‌الاسلام کاظم صدیقی، امام جمعه تهران، آیت‌الله احمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد، این اتفاقات را به زنان بی‌حجاب نسبت می‌دهند اکنون باید از این آیت‌الله‌های حکومت اسلامی پرسى که آیا عامل زلزله مشهد کیست: امام رضا، امام خامنه‌ای، آیت‌الله علم‌الهدی و...

آن‌ها در بی‌حرمتی و اهانت‌های چندش‌آور به زنان معروفند، علم‌الهدی، در سخنان نماز جمعه خود گفته است: وقتی یک زن و دختر جوانی با کشف حجاب و صورت آرایش کرده، سر و گردن خود را در نگاه مردان هرزه گذاشت فساد اخلاقی توسعه پیدا می‌کند و انسانی که می‌خواهد شهوت خود را عملی کند راهی جز آلوده شدن به فساد اقتصادی و اخلاقی ندارد.

امام جمعه مشهد، افزود: اخلاق از آن‌جا فاسد می‌شود که غریزه جنسی و ارضای آن آن‌قدر بی‌بندوبار می‌شود که هر رهگذری در خیابان در مقام ارضای شهوت قرار بگیرد، آن وقت جامعه مهد فساد شده و کلیدواژه آن بی‌حجابی است.

چند سال پیش نیز امام جمعه تهران با طرح یک مسأله «علمی دقیق و حساب» شده، اعلام کرد که زمین لرزه، به‌دلیل بی‌حجابی خانم‌ها روی می‌دهد. حرفی منطقی که تا به‌حال هیچ دانشمندی نتوانسته است آن را کشف کند.

خبرگزاری فارس، نوشت: خطیب نماز جمعه این هفته تهران ضمن تذکر به برخی بانوان بی‌حجاب و بدحجاب خاطر نشان کرد: بانوان ما باید بیشتر مسائل مربوط به حجاب را رعایت کنند چرا که بی‌حجابی‌های بانوان موجب لرزش دل جوانان می‌شود و در نهایت غضب خداوند حاصل می‌شود.

حجت‌الاسلام کاظم صدیقی خطیب نماز جمعه تهران، به برخی از معضلات اخلاقی جامعه اشاره و با بیان این‌که جامعه نیازمند يك انقلاب و حرکت فرهنگی است، گفت: متأسفانه گناه در جامعه زیاد شده است. گناهان صغیره که می‌توان به‌طور مثال از بی‌توجهی برخی بانوان به مسائل حجاب و بی‌توجهی برخی مردان نسبت به رعایت اصول اخلاقی، نام برد موجب از بین رفتن روح معنوی در جامعه شده است.

صدیقی با بیان این‌که گناهان صغیره در صورت استمرار به گناهان کبیره تبدیل می‌شوند، یادآور شد: زلزله‌هائی که بر اثر گناه حاصل می‌شود راهی جز این ندارد که ما به یاد خدا باشیم و به دین پناه ببریم. او افزود: ما باید برای مقابله با بلاها در پناه دین زندگی کنیم چرا که حتی اگر زلزله طبیعی در شهر تهران بیاید هیچ کس جز خداوند حریف این بلاها نخواهد بود.

در حالی که ما در زلزله آذربایجان شرقی شاهد وقایع درناکی پس از زلزله بودیم. مردم مناطق زلزله‌زده، علاوه بر درد و غم جان‌کاهشان در سوگ از دست دادن عزیزان‌شان، در معرض انواع بیماری مسری و حتی حملات حیوانات درنده نیز قرار گرفتند. زلزله در مناطق کوهستانی علاوه بر خسارات مالی که برای مردم به همراه داشت باعث تلف شدن هزاران راس دام نیز شد. بقایا و لاشه دام‌ها ظرف روزهای پس از زلزله، همچنان زیر آوار مانده یا بقایای آن‌ها در مسیر رفت و آمد بوی نامطبوعی را در فضای روستاها ایجاد کرده و سبب هجوم حیوانات درنده از قبیل گرگ، کفتار و شغال به این مناطق شده بود که یک خطر جدی برای مردم به خصوص کودکان و سالمندان هنگام تاریکی هوا محسوب می‌شد. ساکنینی که در زیر چادرهای امدادی زندگی می‌کنند به شدت از پائین بودن امنیت احساس نگرانی داشتند چون چادرها حفاظ محکمی برای آنان نیست و در بسیاری مناطق زلزله‌زده، نه تنها از نیروهای امنیتی یا پولیس نیز خبری نبود، بلکه مأمورین امنیتی مانع گروه‌های مردمی کمک‌رسانی می‌شدند و گاهی آن‌ها را بازداشت و کمک‌های جمع‌آوری شده را ضبط کردند.

این همه مشکلات و خطراتی که مردم مناطق زلزله زده را تهدید می‌کرد و پس لرزه‌ها نیز همچنان ادامه داشت، حکومت اسلامی، همچنان به این منطقه بی‌اعتنائی نشان می‌داد. بی‌شک بی‌اعتنائی سران و مقامات حکومت اسلامی به زلزله‌زدگان از سوی مردم ایران، به ویژه مردم آذربایجان، نباید بی‌جواب گذاشته می‌شد. کمک‌رسانی به مناطق زلزله‌زده، آن‌چنان ضعیف بود که حتی صدای نمایندگان مرتجع مجلس اسلامی را نیز در آورده بود. سانسور رسانه‌های دولتی در انعکاس ابعاد فاجعه‌آمیز این زلزله، حتی عوام‌ترین بخش جامعه را نیز حساس کرده بود.

رادیو و تلویزیون و دیگر رسانه‌های حکومت اسلامی، به عنوان فراگیرترین رسانه‌ها با گذشت حدود ۴۸ ساعت از وقوع این فاجعه، از پوشش همه جانبه اخبار و وضعیت قربانیان آن خودداری کردند و تنها سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی و مستقل در این مورد خبررسانی کردند. در این میان رقابت‌ها و نزاع‌ها در میان باندهای حکومتی، با زلزله‌زدگان آذربایجان، داغ‌تر شد.

اما در مقابل این بی‌اعتنائی و گستاخی سران و مقامات حکومت اسلامی نسبت به زلزله‌زدگان، همبستگی بسیار وسیع و گسترده مردمی با زلزله‌زدگان در سراسر جامعه ایران راه افتاده است که قابل تقدیر و تحسین برانگیز است.

یکی از شهروندان که از شهر خود به منطقه آمده، به خبرنگاری گفته است: «از کارخانه‌های مختلف خصوصی کمک نقدی گرفته‌ایم و در تدارک تهیه کمک‌های مورد نیاز هستیم. یکی دیگر نیز از تهیه بسته‌های تهیه شده مردمی مشتمل بر کنسرو، آب معدنی، پوشاک و... خبر می‌دهد که به همراه پیام‌هایی آن‌ها را به آذربایجان ارسال کرده‌اند. آن دیگری هم می‌گوید: موفق شدیم ۱۶ میلیون کمک نقدی جمع کنیم و به زودی آن را برای آسیب‌دیدگان هزینه می‌کنیم.

شهروندی اشاره می‌کند که درصدد تهیه دارو برای عزیزان مان در آذربایجان بودیم که داروخانه‌ها می‌گویند نیاز به مجوز دارد و از این‌رو به شکل دیگری کمک می‌کنیم.

خبرگزاری رویتر در گزارشی نوشت، حکومت تهران به دلیل تعلل در کمک‌رسانی به زلزله‌زدگان از سوی افکار عمومی مورد اعتراض قرار گرفته است.

یک پزشک در شهر تبریز گفت، بعد از زلزله، این مردم عادی بودند که با خودروهای خود به مناطق آسیب‌دیده شتافتند و برای کمک به زلزله‌زدگان آمدند نه مأموران مقابله با بحران.

همچنین مسئول یک داروخانه در تبریز گفت، دولت تنها در اعزام نیروهای امنیتی برای اطمینان از برقراری نظم به خوبی عمل کرده است.

خبرگزاری میراث فرهنگی، سه شنبه، ۲۴ مرداد ماه ۱۳۹۱، نوشت؛ «... اگرچه مسئولان استان از پایان خارج کردن جنازه‌ها از زیر آوار صحبت می‌کنند، اما بسیاری از مردم می‌گویند، در برخی روستاهای اطراف ورزقان و اهر هنوز برخی جنازه‌ها زیر آوار مانده‌اند.

کمک‌رسانی به روستاهای زلزله زده ادامه دارد؛ اما کمبود مواد غذایی، باعث شده است تا درگیری‌هایی بین مردم و نیروهای امدادی رخ دهد. بی‌حوصلگی جای آرامش را گرفته و همین به بحران دامن زده است.»

خبرگزاری این روزنامه در ادامه گزارش خود می‌نویسد: «به ورزقان می‌رسیم. حال شهر خوب نیست. زن‌ها و بچه‌ها در چادرها انتظار می‌کشند و مردها در پی کمک از فرمانداری به شهرداری و از شهرداری به فرمانداری می‌روند. تلاشی که نتیجه آن شاید چند بطری آب معدنی یا چند ظرف غذا باشد.

آفتاب وسط آسمان است و کنار دیوارها راه فراری از گرمای آفتاب. اگرچه مردم این‌جا به لرزه‌های گاه و بی‌گاه عادت کرده‌اند، اما برای امدادرسان‌ها و خبرنگارها این لرزه‌ها عادی نشده است و با لرزه‌های زمین که تقریباً هر نیم ساعت رخ می‌دهد، از سایه فرار و به آفتاب پناه می‌برند.

چند دقیقه‌ای است که کنار دیوار مشغول نوشتن این گزارش هستم و به آوارها و مردم بی‌خانمان می‌اندیشم. به این که... زمین باز لرزید...»

هنگامی که زلزله مناطقی از آذربایجان را ویران کرد و هزاران نفر در زیر آوار ماندند سه ساعت بعد مسئول حوادث غیرمترقبه آذربایجان اعلام کرد که زلزله تأثیری در شهرها نداشته و از روستاها نیز خبری نشده است؛ نیروی امداد حدود هفت ساعت پس از وقوع زلزله به آن مناطق رسیدند.

حتی روز وقوع فاجعه، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی، در سخنرانی خود در جمع «دانشگاهیان» هیچ حرفی از زلزله‌زدگان آذربایجان به زبان نیاورد. او، بعد از فرستادن پیام تبریک به مدال آوران المپیک، حدود ۴۸ ساعت پس از گذشت فاجعه زلزله، برای زلزله‌زدگان پیام فرستاد.

از سوی دیگر، محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور وقت حکومت اسلامی، بی‌اعتنا به فاجعه رخ داده، به جای سفر به مناطق زلزله‌زده، عازم عربستان سعودی شد.

احمدی‌نژاد، به رئیس جمهوری سیرالئون به مناسبت درگذشت مادرش پیام فرستاد که این پیام، در سایت ریاست جمهوری منتشر شده، آمده است: «در گذشت مادام آلیس روزالین کروما، مادر گرمی تان را که معلمی سختکوش و دلسوز بود، به جنابعالی، دولت و ملت سیرالئون تسلیت می‌گویم. ضمن ابراز همدردی با جنابعالی و ملت سیرالئون، از خداوند متعال غفران و رحمت الهی برای آن مرحومه، صبر و شکیبایی بازماندگان و سربلندی و شادکامی دولت و ملت سیرالئون را مسالت دارم.»

اما احمدی‌نژاد، برای مردم منطق زلزله‌زده آذربایجان، حتی در حد پیامش رئیس جمهوری سیرالئون، ارزش قائل نشد و تنها دولت در روز دوم زلزله پیامی نه با امضای دولت یا هیات وزیران، بلکه با امضای اعضای دولت منتشر شد که این نوع پیام دادن عمق بی‌اعتنائی دولت به زلزله‌زدگان را نشان می‌دهد.

این بی‌اعتنائی سران و مسئولان حکومتی به زلزله مرگبار آذربایجان، بار دیگر سیاست‌های غیرانسانی آن را به نمایش گذاشت. بنا به گزارشات، حتی نیروهای امدادی که از ترکیه وارد ایران شده بودند ساعت‌ها در مرزها سرگردان ماندند. خبرنگارانی که از جمهوری آذربایجان راهی مناطق زلزله زده شده بودند در مرز به آن‌ها راه ندادند.

اما حکومت اسلامی، همه نیروهای امنیتی را در مناطق زلزله زده به حالت آماده باش درآوردند تا در صورت بروز اعتراضات مردمی آن‌ها را شدیداً سرکوب کنند. از این‌رو، اگر تصاویر را نگاه کنید هیچ ارتشی، بسیجی، سپاه و غیره

در میان ویرانی‌ها برای کمک به کسانی که زیر آوار مانده‌اند دیده نمی‌شود و تنها مردم عادی هستند که در میان ویرانی‌ها به دنبال عزیزان خود می‌گردند.

در برخی از وبسایت‌ها، گزارشاتی از مناطق زلزله زده استان آذربایجان شرقی منتشر شده بود که سپاه پاسداران با «امنیتی کردن جو» این مناطق، انبار و توزیع کمک‌های ارسالی را در دست خود گرفته و از فیلم‌برداری و عکس‌برداری توسط خبرنگاران در این مناطق جلوگیری می‌کند.

در حالی که مردم مناطق زلزله‌زده در سوگ عزیزان خود می‌سوختند و می‌ساختند امام جمعه‌ها، هم صدا بی‌اعتنائی و عدم مسئولیت‌پذیری حکومت به زلزله‌زدگان را توجیه کردند و از سوی دیگر، هم چون همیشه یک مشت مزخرفات مذهبی به خورد جامعه می‌دهند.

برای نمونه، امام جمعه اهر گفت: «زلزله اخیر یک امتحان الهی بود.» خبرگزاری آفتاب سه‌شنبه، ۲۴ مرداد ماه ۱۳۹۱، برابر با ۱۴ ۲۰۱۲، در این باره نوشت؛ حجت الاسلام والمسلمین حاجی‌زاده امام جمعه شهرستان اهر، در مصاحبه تلفنی با شبکه قرآن ضمن اشاره به وقوع زلزله ۶/۲ ریشتری در شهرستان‌های شمال غرب کشور، گفت: «وقوع زلزله بالای ۶ ریشتری در شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی امتحان الهی بود. خوشبختانه زلزله در ساعاتی اتفاق افتاد که مردم سر کار خود بودند و همین امر باعث کاهش تلفات شده است.»

یک روز پیش از زلزله اخیر آذربایجان، امام جمعه تهران طی سخنانی در زمینه نزدیک بودن زمان ظهور امام دوازدهم شیعیان، اشاره‌ای معنادار به یکی از برداشته‌های جنجالی از مفهوم «آخرالزمان» داشت. کاظم صدیقی، با تأکید بر افزایش مشکلات بشر در سرتاسر جهان، این وضعیت را «مقدمه حضور امام عصر» دانست و گفت: «بوی پیراهن یوسف به مشام می‌رسد.»



زلزله آذربایجان

آیت‌الله مجتهد شبستری امام جمعه تبریز، برای آرام کردن زلزله‌زدگان گفت: «پررودگار متعال به صبرکنندگان پاداش بی‌نهایت عطا خواهد کرد و قرآن مجید مومنین را به صبر فردی و دسته‌جمعی دعوت می‌کند و به صبر کردن در مقابل خسارات مالی و جانی توصیه می‌کند.»

مجتهد شبستری، در ادامه گفت: «حضرت علی(ع) در توصیفی مستقیم می‌فرماید پرهیزگاران در هنگام نزول بلا و گرفتاری‌ها صبر می‌کنند و در حال راحتی و خوشی در مقابل خدا شاکر و سپاس‌گذارند و همچنین امام صادق(ع) در شمارش نشانه‌های فرد با ایمان را می‌فرماید افراد با ایمان در مقابل ناملایمات باوقارند و هنگام نزول بلا اهل صبر و استقامت هستند.»

امام جمعه تبریز، تأکید کرد: «با توجه به توصیه‌های قرآنی و فرمایشات پیشوایان دینی مردم مسلمان و تربیت شده در مکتب رمضان و مکتب عاشورا در مقابل پیش آمدهای ناگوار باید اهل صبر و استقامت باشند و از عهده امتحان الهی سرفراز بیرون بیایند.» او، ادامه داد: «این حادثه‌ها غیرمترقبه و ناگوار یک نوع امتحان الهی برای مصیبت‌دیدگان است که چگونگی صبر در برابر مقدرات الهی را بیاموزند و هم وسیله امتحان مردم است که چگونه به یاری مصیبت‌دیدگان و نیازمندان بشتابند.»

به این ترتیب، مجتهد شبستری از یکسو، با صغرا و کبرا کردن‌هایش از مردم می‌خواست که در مقابل این بی‌اعتنائی و گستاخی حکومت‌شان ساکت بمانند و از سوی دیگر، پرسیدنی‌ست که مگر «خدا» و «امام زمان»، «محمد و علی و حسین و...» شما سادسیم دارد که برای «امتحان» به این همه آدم‌کشی و ریختن خون انسان‌ها نیاز دارند؟! قبل از این زلزله، حجت الاسلام و المسلمین مهدی‌پور، «محقق و پژوهشگر!» مهدویت گفته بود: «رواج بی‌بند و باری در یک جامعه باعث بروز زلزله می‌گردد.»

در گزارشات مربوط به زلزله بم، از جمله آمده بود: به غیر از یونیسف، گروه‌های آمریکائی، ایتالیائی، انگلیسی و فرانسوی نیز چادرهایی را توسط نیروهای امداد خود برای نیاز به زلزله‌زدگان بم، به این شهرستان ارسال داشته‌اند که متأسفانه تا کنون هیچ‌یک از آنان در اختیار نیازمندان قرار نگرفته است.



زلزله بم

مشاهدات عینی از سطح شهر حاکی از این بود که زلزله‌زدگان تنها در چادرهای ایرانی با جنس نامرغوب و کاملاً غیر بهداشتی که به آرم هلال احمر حکومت اسلامی هم مزین هستند اسکان یافته‌اند و حتی يك مورد چادر خارجی که در آن مردم زلزله‌زده اسکان یافته باشند، مشاهده نگردیده است.

از سوی دیگر، شنیده می‌شد که این چادرها در بازارهای آزاد شهرهای اطراف و حتی در بازار آزاد تهران با قیمت‌های چند میلیونی به فروش می‌رسیدند.

در حقیقت در برخورد با فاجعه زلزله، گوشه دیگری از کارنامه سرتاپا سیاه و غیرانسانی حکومت اسلامی را به‌سادگی در مقابل افکار عمومی قرار داده می‌شود.

تحقیقات انجام شده از سوی کارشناسان خبره گروه‌های امداد و نجات جمعیت هلال احمر نشان می‌دهد آتش‌سوزی خود به خودی جنگل‌ها، صاعقه، خطرات ژئوترمال (زمین گرمائی)، ریزش حوضه‌های آهکی، نشست‌های زمین در نواحی

استخراج مواد معدنی، ریزش‌های زیر دریایی، لغزش‌های زیر دریایی، باتلاق‌زائی، آتش‌فشان و خود سوزی میدان‌های ذغالی در مراحل بعدی وقوع حوادث و بلایای شایع در ایران قرار دارند.

اگرچه زلزله مهم‌ترین بلای طبیعی است که تقریباً همه ایرانیان لرزش آن را زیر پای خود حس کرده‌اند اما در سال‌های گذشته کشور ایران از بلایای طبیعی دیگری مانند سیل و آتش‌سوزی نیز بی‌نصیب نبوده است و خسارت‌های ناشی از آن موجب زیان‌های جانی و مالی بسیاری برای کشور شده است.

کارشناسان بر این عقیده‌اند که بحث مقاوم‌سازی ساختمان‌ها، آموزش پرسنل و تجهیزات مدرن و کافی و همچنین مدیریت مسئولانه و هماهنگی که همکاری‌های بین بخشی را می‌طلبد از مواردی است که باید بیش از گذشته به آن پرداخته شود. برای مثال، هنگامی که حادثه‌ای مانند زلزله و یا آتش‌سوزی رخ می‌دهد، در امدادسانی صحنه‌هایی اتفاق می‌افتد که باعث ضرر جانی می‌شود. ما در واقعه آتش‌سوزی پلاسکو در تهران، زلزله بم و زلزله آذربایجان شرقی، عدم آمادگی مسئولین، بی‌توجهی آن‌ها، کمبود تجهیزات لازم و ضروری، عدم آموزش پرسنل، و حتی فروش چادرهای اهدائی نهادهای بین‌المللی به‌زلزله زدگان در بازار بودیم. پس ضروری است که مسئولین، رسانه‌ها و امدادسازان در زمینه چگونگی نجات آسیب‌دیدگان در بلایای طبیعی آموزش ببینند و به موقع وارد علم شوند.

مدیریت در شرایط بحران با مدیریت در شرایط عادی متفاوت است. چرا که شرایط بحران، زیر ساخت‌های جامعه را دچار اختلال جدید می‌کند. ایران از کشورهایی پر حادثه دنیا است که زلزله مهم‌ترین آن‌هاست چنان‌چه در چند سال اخیر سه میلیون نفر تحت تأثیر حوادث ناشی از بلایای طبیعی در ایران قرار گرفتند که این حوادث بیش از ۲۳ میلیون دالر خسارت در پی داشته است.

حسین درخشان، از نیروهای واکنش سریع امدادی هلال احمر، به خبرنگار اجتماعی ایرنا، گفته است: «اختصاص بودجه‌ای خاص برای کاهش عوارض ناشی از بحران‌های طبیعی یک نیاز واقعی در کشور است ضمن آن که باید دانش مدیریت بحران و سوانح به‌منظور پوشش سریع و فوری به حوادث یادشده در مراکز دانشگاهی تدریس شود.» وی بر پیش‌بینی ابزارهای لازم برای کنترل شرایط بحرانی تأکید کرد و گفت: «حوادث طبیعی چند سال اخیر در کشور نشان داد که عواقب این حوادث بحران‌زا در کل کشور نمود پیدا می‌کند.»

این کارشناس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر اظهار داشت: «سایر سازمان‌های امدادی در جوامع پیشرفته و توسعه یافته فراگیرترین نوع تمرین‌ها را برای داشتن آمادگی‌های لازم رویارویی با شرایط اضطراری عمومی و پیچیده را همراه با آموزش‌های همگانی و مستند سازی برای عموم مردم برگزار می‌کنند که جا دارد این رویه در کشور ما نیز به‌انجام برسد.»

درخشان افزود: «هم اکنون فراگیرترین این تمرین‌ها از بعد کمی، به صدا در آمدن زنگ زلزله در تمامی مدارس کشور، در زمان واحد است.

وی، ایجاد آمادگی بیشتر برای مقابله با بلایای طبیعی و کنترل آن‌ها، مشخص کردن نقاط ضعف برنامه‌ریزی‌های ارایه شده، بهبود بخشیدن هماهنگی بین سازمان‌های مسئول، تعیین نقش‌ها و مسئولیت‌ها، اطمینان یافتن از قابلیت‌های اجرایی طرح، آزمایش طرح‌ها و نظام‌های مدیریت بحران در شرایط واقعی را از دیگر اهداف دولت در برپائی مانورهای شبیه‌سازی وقوع حوادث غیرمترقبه دانست. وی ادامه داد: «برای مثال، هنوز ابعاد و اصول سامانه فرماندهی حادثه در ایران برای تمامی سازمان‌ها و ارگان‌های مربوط به‌طور شفاف و دقیق مشخص نشده است و در بسیاری از موارد هنوز مردم آگاهی لازم برای مقابله با این حوادث ناگهانی را ندارند.»

از این رو کارشناسان در این امر، همواره انتقاد دارند که چرا مسئولان اجرائی در جهت تقویت حوزه مدیریتی برای پیشگیری و مقابله با حوادث طبیعی تلاش نمی‌کنند؟ بحث مدیریت بحران را جدی نمی‌گیرند؟

کشور جاپان، همواره تحت تأثیر طوفان‌های گوناگون بوده است. بیش از یکصد آتش‌فشان فعال و ۲۰ درصد زمین لرزه‌های بالای ۶ ریشتر در این کشور رخ می‌دهند. با این حال به‌خاطر وجود فرهنگ واقعی پیشگیری از این خطرات، تعداد قربانیان بسیار کمتر از دیگر نقاط جهان است.

یوشیاسو هیوتانی، معاون مدیر کل مدیریت بحران جاپان می‌گوید: «ما بیش از چهار هزار پست کنترل در سراسر مجمع‌الجزایر پراکنده جاپان ایجاد کرده‌ایم. از این نظر ما قادر به اندازه‌گیری میزان زلزله‌های رخ داده و ارسال اطلاعات آن به سراسر کشور هستیم. مثلاً، در زمان زلزله سال ۲۰۱۱، ما بیش از یکصد قطار سریع‌السیر در حال حرکت داشتیم که آن‌ها را به‌سرعت متوقف کردیم. در نتیجه هیچ حادثه یا تلفاتی رخ نداد.»

ابتکار دیگر جاپان، ساخت مخزنی برای مهار سیل است که آن را بزرگترین مخزن در جهان برای مهار سیل می‌دانند. یک مخزن غول پیکر برای ذخیره آب، پنج سوله مهار آب و شبکه‌ای زیرزمینی به طول ۶ کیلومتر که تونل‌های آن ۱۰/۶ متر قطر دارد. این سیستم جمع‌آوری و تخلیه سیل برای چهار رودخانه ساخته شده و تا ۲۰۰ متر مکعب آب را در هر ثانیه در داخل رودخانه اصلی منطقه در نزدیکی توکیو تخلیه می‌کند. تأثیر نصب و راه‌اندازی این مخزن در منطقه‌ای که نرخ شهرنشینی معادل ۵۰ درصد دارد، قابل توجه است.»

اوسو ایشی، رئیس این مخزن بزرگ زیرزمینی می‌گوید: «نتیجه این‌که ما چهار برابر کمتر شاهد مناطق آب‌گرفته‌ایم و خانه‌های آسیب‌دیده از سیل سه برابر کمتر شده‌اند.»

آسمان‌خراش توکیو با ۶۳۴ متر ارتفاع نماد پایتخت جاپان است با این حال این سازه به‌خاطر مقاوم بودن در برابر زلزله به دستاوردی منحصر به‌فرد تبدیل شده است. ساختار آن شامل یک ستون اصلی از بتون است که به سازه‌های خارجی فولادی متصل شده و مانده یک سیستم کمک فنر کار می‌کند.

هاروکی ناگاتسوما، درباره این آسمان‌خراش می‌گوید: «ستون مرکزی و ساختار فولادی در جهت‌های مخالف هم نوسان می‌کنند. آن‌ها می‌توانند تا ۵۰ درصد فشار و انرژی که به آن‌ها وارد می‌شود را دفع کنند و به این شکل برج در برابر زلزله مقاومت می‌کند.»

چالش‌ها بسیار است و این برج برای انتشار اطلاعات در زمان بالایای طبیعی نیز به کار می‌رود. برنامه دیگر جاپان، گسترش پروژه‌های پیش‌گیری از خطرات سوانح طبیعی است.

ایران به دلایل ژئولوژیک، توپوگرافی و انسانی جزء ۱۰ کشور بلاخیز جهان به‌شمار می‌رود، همه ساله بلایایی نظیر سیل، زمین‌لرزه، خشکسالی و... خسارات جانی و مالی فراوانی را بر کشور تحمیل می‌نماید. زمین لرزه جزء مهیب‌ترین بلایای طبیعی است که همراه اکثر شهرها و روستاهای ایران را تهدید نموده و می‌نماید.

ایران، از لحاظ خسارات و تلفات ناشی از بلایا نیز در وضعیت نابسامانی قرار دارد و در سال گذشته جزء در رده بالای لیست اول جهان قرار گرفته است. تجربه کشورهای پیشرفته ثابت می‌کند برای کاهش تلفات و خسارات ناشی از بلایا بهترین راه کاهش آسیب‌پذیری و تقویت مدیریت بحران است.

از نظر تنوع حادثه نیز در زمره ۵ کشور دنیا قرار دارد. از مجموع ۴۱ سانحه شناخته شده در جهان، ۳۱ تا ۳۳ نوع آن در ایران سابقه وقوع دارند که بیش‌ترین و شایع‌ترین آن‌ها زلزله و سیل در گروه حوادث طبیعی و آتش‌سوزی و تصادفات در گروه حوادث انسان‌ساز است.

گزارش اثرات سوانح در جهان که توسط فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ منتشر شده است نیز نشان می‌دهد که ایران از نظر سانه‌خیزی در آسیا پس از چین، هندوستان و بنگلادش در رتبه چهارم قرار دارد. از سوی دیگر، جمعیت ایران در طول صد سال گذشته همواره حدود یک درصد جمعیت دنیا بوده است اما متأسفانه تلفات جانی ناشی از زلزله و حوادث طبیعی در آن حدود ۶ درصد تلفات جانی از کل دنیا بوده است.

با توجه به بررسی‌ها و گزارشات مختلف که در بالا بدان‌ها اشاره کردیم، احتمالاً در واقعه زلزله مشهد، یک نوع مخفی‌کاری در جریان است. انفجار مهیبی که مردم مشهد شنیده‌اند چه نوع انفجاری بوده است؟ چرا با ۶ ریشتر تلفات جانی این‌قدر کم است در حالی که در همین ریشتر در زلزله رودبار و بم و آذربایجان شرقی، متأسفانه تلفات جانی و مالی وحشتناک بوده است؟ این نوع خبررسانی حکومت اسلامی، ناشی از منافعی و سیاستی است؟

از سوی دیگر، این نوع فجایع یک واقعیت مهم دیگری را در مقابل چشمان مردم ایران و جهان قرار داده‌اند و آن هم این واقعیت است که سیاست‌ها و عملکردهای حکومت اسلامی، تنها به تخریب، فساد اقتصادی، اعدام، تروریسم و آدم‌کشی محدود نمی‌گردد، بلکه حتی فجایعی چون زلزله نیز در یک گوشه کشور روی دهد و یا ساختمان معروف پلاسکوی تهران آتش بگیرد، تصادفات زنجیره‌ای در جاده‌ها رخ دهد؛ قطارها از ریل خارج شوند؛ کارگران به دلایل عدم رعایت موازین ایمنی کار، هر روز قربانی گردند؛ فقر و بیکاری منجر به آسیب‌های اجتماعی منجر گردند؛ و...، بی‌تفاوت است و کمترین اهمیتی به جان و زندگی شهروندان نمی‌دهد. حتی خدا و قرآن و پیامبر و امام زمان‌شان را شاهد می‌گیرند تا با عوام‌فریبی و خرافات هم این جنایات بی‌وقفه خود را توجیه کنند.

حکومت اسلامی ایران، سی و هشت سال است که با اتکا به قوانین قرون وسطائی و وحشیانه اسلامی، دست و پا می‌برد؛ چشم درمی‌آورد؛ شلاق می‌زند؛ سنگسار می‌کند؛ اعدام می‌کنند؛ در زندان‌ها به زندانیان تجاوز می‌کنند و زیر شکنجه می‌کشند؛ زندانیان را مخفی و علنی و در خیابان‌ها به دار می‌آویزند؛ این حکومت زن‌ستیز و آزادی‌ستیز است؛ کودکان دختر را تشویق به ازدواج می‌کنند؛ عامل فقر و فلاکت اقتصادی، کار کودک و عامل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است؛ این حکومت، دشمن درجه یک آزادی بیان، قلم، اندیشه و فعالیت‌های متشکل آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه است؛ و...

سران و مقامات حکومت اسلامی، مدعی‌اند که هدفشان از اعدام و دست‌پا بردن برقراری امنیت در جامعه و جلوگیری از گسترش دزدی و قاچاق و غیره است. در حالی که نگاهی به برخی کشورهای غیراسلامی و مرفه و پیشرفته و سکولار، نرخ ارتکاب جرم بسیار پائین است و دادگاه‌های آنان مشتریان زیادی ندارند. بنابراین وحشت، وحشت می‌آفریند و نه امنیت!

تجربه بربریت سی و هشت ساله حکومت اسلامی، به‌سادگی نشان می‌دهد که نه تنها اعمال خشونت در اصلاح جامعه کارساز نیست، بلکه خشونت دولتی به گسترش خشونت در جامعه نیز منجر شده است. به علاوه ریشه همه بحران‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فقر اقتصادی در سیاست‌های حکومت اسلامی و قوانین قرون وسطائی مربوط است نه به آزادی زن و بی‌حجابی.

جوانانی که شغل ندارند، پول ندارند، امکانات تفریحی ندارند فقط توسط حکومت مورد تحقیر و سرکوب قرار می‌گیرند؛ توسط حکومتیان ارادل و اوباش، بی‌بند و بار، بی‌حجاب و عامل زلزله معرفی می‌شوند؛ در صورت کوچکترین خلاف، حتی حرف زدن دختر و پسر، حکم شلاق در پی دارد با چنین حکومت متجاوز و آدم‌کش چه باید کرد؟ آیا غیر از این است که در هیچ نمایش مسخره این حکومت از جمله انتخابات ریاست جمهوری نه تنها شرکت نکرد، بلکه آن

را به دلیل جنایات بی‌شمارش علیه بشریت، با صدای بلند محکوم کرد و برای بر چیدن بساط کلّیت آن به پیکار و مبارزه
جمعی روی آورد؟!!

شنبه نوزدهم فروردین [حمل] ۱۳۹۶-هشتم اپریل ۲۰۱۷